

آینه

انتخاب

درها می توانند روی همان باشنه فرصت‌سوزی سابق بخرند

● **حمیدرضا جلالی‌پور:** توجه به گرایش‌های سیاسی مردم روشن می‌کند چگونه می‌توانیم در سال ۹۵ فرصت رشد و توسعه را با وجود اقدام مثبتی که مردم در سال ۹۴ انجام دادند، در دست بدهیم. در جامعه ایران تقریباً ۱۰ درصد از مردم در فقر اضطراری هستند و متأسفانه آن‌قدر در ضعف هستند که شرایطی ندارند تا نسبت به سیاست و جامعه مدنی و روند توسعه کشور حساسیت لازم را داشته باشند (ویکی از اهداف مهم رشد و توسعه ایران کاستن از تعداد و درصد این فقراست). رفتار سیاسی گذشته مردم نشان می‌دهد که حدود ۲۰ درصد دیگر هم حتی در دوره رونق سیاسی مثل خرداد ۷۶ حساسیت سیاسی به امور عمومی ندارند و اصلاً رأی نمی‌دهند و بیشتر به زندگی شخصی‌شان متوجه و مشغول‌اند یا با هرگونه مشارکت در ساختار سیاسی کنونی مخالف‌اند. حدود ۲۰ درصد مردم هم حتی در شرایط سخت باز اصلاح‌طلبان‌د و همچنان می‌خواهند نسبت به آینده امیدوار باشند، حتی در شرایط رکود تورمی. حدود ۱۵ درصد مردم پایگاه اصولگرایانند ولی تدروها به آنها می‌گویند شما در انتخابات ۹۴ تهران شکست نخوردید، بلکه تهرانی‌ها هستند که اهل کوفه هستند و دین و ایمان ندارند! یک جمعیت بزرگ حدوداً ۳۵ درصدی خاکستری هم بسته به اوضاع تصمیم می‌گیرند. سخن من این است که تدروها با مقاومتی که در برابر روند توسعه و دولت و میانبروها و اصلاح‌طلبان می‌کنند، نخواهند توانست از میان ۳۵ درصد خاکستری نیرو جذب کنند. تدروها حتی نتوانستند از میان فقرا بخش قابل‌توجهی را به خود متمایل کنند. تنها پیامد کارشکنی تدروها این است که این ۳۵ درصد را می‌تواند ناامید کند و این یعنی ضربه کاری به منافع ملی کشور. متأسفانه مهم‌ترین دستاورد این ممانعت‌ها از سوی تدروها همان محروم‌کردن ایران از رشد و توسعه است و اینکه جامعه را به درازدن وادار و میزان پیش‌بینی‌پذیری وضع جامعه را هم کمتر کنند. با چنین ارزیابی از جامعه می‌توان با حمایت از دولت و تقویت امید مردم در جهت رشد و توسعه و تقویت منافع ملی کشور در سال ۹۵ گام برداشت اما با این شرط که آن بخش از قدرت سیاسی، به‌بایه مقاومت در برابر دولت و جامعه مدنی بجواهد که همراه جامعه در مسیر توسعه قدم بردارد. متأسفانه تا زمانی که این بخشی از موضع اتکا به امکانات عمومی به‌عنوان مخالف توسعه می‌ایستد، در رشد کشور می‌تواند بر همان پاشنه‌فرصت‌سوزی گذشته پوچرخد و چالش‌های فرصت‌سوز تداوم پیدا کند (با وجود اینکه مردم در سال ۹۴ مثل ۹۲ امید آفریدند).

ایران

کاستی‌های قانون انتخابات

عزت‌الله یوسفیان‌لا: از اظهارنظرهای اخیر چنین برمی‌آید که دولت، شورای نگهبان، مجلسی‌ها، مردم، رسانه‌ها و همه به این نتیجه رسیده‌اند که قانون انتخابات باید اصلاح شود. کدام نهاد می‌تواند صلاحیت ۱۲ هزار شرکت‌کننده برای یک انتخابات را در مدت محدود بررسی کند؟ در چنین شرایطی هم حق نامزدها و هم حق نظارتی و اجرایی ممکن است تضییع شود. اگر آبروی یک نفر بی‌جهت از بین رفته باشد، همه ما مسئولیم لذا تردیدی نیست که اصلاح قانون انتخابات ضروری است. همه نهادهای مرتبط باید با همکاری هم این کار را شروع کنند. مجلس اگر به تنهایی اقدام کند، شاید این شائبه ایجاد شود که نمایندگان به نفع خودشان شرایط را تغییر می‌دهند. بنابراین دستگاه‌های نظارتی و اجرایی باید آنچه در انتخابات دیده‌اند را به یاد فراموشی نسپارند و در جلسات مشترک، در جلسات سران سه قوه و حتی در محضر رهبر معظم انقلاب مطرح کنند و یک اقدام هماهنگ انجام دهند.

روا

روح برجام و اقتداردفاعی ایران

عباس حاجی‌نجراری: می‌توان اصلی‌ترین کارکرد شعار سال را بعد از رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم در تحکیم و تقویت اقتدار دفاعی ایران دید، چراکه در این عرصه مهم‌ترین نقطه آمیدی که دشمن از حفظ و تشدید تحریم‌ها به آن دل بسته یعنی تارناضاتی اجتماعی، از بین خواهد رفت و رفع مشکلات مردم به صورت مستقیم در افزایش سرمایه اجتماعی نظام که همانا عقبه اصلی قدرت دفاعی ایران است، تأثیر مستقیم خواهد داشت. در نقطه مقابل، توان دفاعی و قدرت موشکی ایران یکی از آن عرصه‌هایی است که نشان می‌دهد تحقق «اقتصاد مقاومتی» امکان‌پذیر است و تنها شعار نیست، چراکه دستاوردهای دفاعی و امنیتی ایران تمامی درون‌زا و متکی بر توان و قابلیت‌های تالشگرران عرصه‌های دفاعی در وزارت دفاع و سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی است. این توانمندی سرچین شده که در عین دستیابی دانشمندان ایران به آخرین یافته‌های علمی در این عرصه، عملاً اقتدار دفاعی ایران را به گونه‌ای ارتقا دهند که تصور هرگونه تهدید علیه ایران را از ذهن دشمنان انقلاب اسلامی دور کرده و به همین دلیل است که آنها برای مهار توان موشکی و ممانعت از حمایت ایران از سرپنجه‌های مقاومت متوسل به سیاسیون شده و با طرح سلسله برجام‌ها می‌کوشند تاکامی مهار نظامیان را از طریق سیاسیون جبران کنند.

● **گفته بودید فکر نمی‌کردید انتخابات تهران به چنین نتیجه‌ای منجر شود.** پیش از انتخابات درباره علت ثبت‌نام‌کردنتان با قوت گفته بودید خیالتان از بردن اصولگرایان راحت است. در غیر این صورت اگر احساس خطر می‌کردید، حتماً به صحنه می‌آمدید، یعنی اگر می‌آمدید نتیجه به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد؟

اگرچه رسانه‌ها طیف وسیعی از شایعات و تحلیل‌ها را درباره ثبت‌نام‌کردن من مطرح کردند، اما پاسخ من به همه آنها این بود که شما مسیری را ۲۹ سال برو، اگر حوصله کردی که سال سی ام هم بروی، آن وقت به من توصیه بکن که ثبت‌نام کنم. اصل دلیلم این بود.
● **چرا احساس خطر نکردید؟ واقعاً هیچ پیش‌بینی‌ای از باخت نداشتید؟ این قدر خیالتان راحت بود؟**

اگر احساس خطر می‌کردم، می‌آمدم و احتمالاً سعی می‌کردم جور دیگری رقابت‌ها شکل بگیرد.

● **منظورتان محتوای فهرست ۳۰ نفره است؟**

نخبر. من اصولاً فکر می‌کردم فضای تهران دوقطبی نباید بشود. فکر می‌کردم سه‌قطبی می‌شود. یکی فهرست اصلاح‌طلب، اصولگرا و معتدل؛ چنان‌که در گذشته هم ما یک فهرست سوم داشتیم و هنوز هم این بحث هست و شاید جزء سؤال‌های بعدی شما باشد. اصلاح‌طلبان مدعی‌اند ما در کل کشور برديم. ما این ادعا را قبول نداریم، البته من همیشه می‌گویم نهایتاً انتخابات هیأت‌رئیس مجلس نشان خواهد داد چه جریانی برده است.

● **اصلاح‌طلبان کی ادعا کرده‌اند که انتخابات را در کل کشور برده‌اند؟**

کل نه، ولی جناب آقای دکتر عارف این گونه که از اخبار شنیده‌ام یقین دارد که می‌تواند رئیس مجلس شود. اشکالی هم ندارد چنین آرزویی داشته باشند. من الان نمی‌خواهم قاطعانه نظر دهم؛ چون مرحله دوم انتخابات هم هنوز باقی است و می‌تواند در تغییر آرایش مجلس اثرگذار باشد.

● **البته در انتخاب هیأت‌رئیس مجلس عوامل مختلفی اثرگذار است.** شاید واقعاً اصلاح‌طلبان هم به این نتیجه برسد که به دلایلی ریاست را به لاریجانی واگذار کنند.

بله، در جریان ما هم ممکن است این بحث باشد. برخی دوستان ما شاید بگویند اصلاً مجلس دهم را واگذار بکنیم.

● **بله، برخی از دوستان اصولگرای شما از طیف‌های به‌ویژه تندرو اتفاقاً اعلام کرده‌اند طرفدار ریاست آقای عارف بر مجلس‌اند.**

من همین را داشتم می‌گفتم. هم اصولگرایانی که در مجلس هستند طیفی وسیعی هستند و هم اصلاح‌طلبان. ممکن است درونشان نظرات متفاوت و متضادی وجود داشته باشد و مجموعه‌ای از دوستان ما معتقد باشند اصلاً مجلس دهم را باید به اصلاح‌طلبان واگذار کنیم.

● **که نتیجه کار مجلس به پای اصلاح‌طلبان نوشته شود.**

بله. البته من این تحلیل را قبول ندارم. واقعاً معتقد هستم در انتخابات رقابت می‌کنیم و بعد از انتخابات باید رقابت کنیم. من راحتا می‌گویم برخی دوستان شاید معتقد باشند مجلس را باید واگذار کنیم تا برای ریاست جمهوری میوه‌اش را بچینیم. من اصلاً این تحلیل را قبول ندارم. شاید اواخر امسال به این نتیجه برسیم که در انتخابات ریاست‌جمهوری رقابت کنیم، اما آن را باید گذاشت برای وقتش. الان کلی کار هست و کسانی که وارد مجلس شده‌اند، باید همه همشان را صرف حل مسائل مردم کنند. شاید نخستین کار مجلس این‌دهم بررسی و تصویب برنامه ششم توسعه باشد. کاری که ما فرصت آن را پیدا نکردیم. اگر بازگردیم به بحث اصلی و اینکه شاید برخی اصولگرایان نگهشان این باشد که ریاست مجلس را به اصلاح‌طلبان واگذار کنند، من به شما می‌گویم: نه اینکه نتیجه بکنم؛ طرفداران این نگاه طیف بسیار کوچکی از اصولگرایان هستند. اکثریت اعتقاد دارند نباید فرصت‌ها را از دست داد. من یک نکته را هم اضافه کنم؛ هر کدام از این دو جریان که اکثریت شدند، دیکتاتوری اکثریت در مجلس اصلاً معنا ندارد. اینکه هنگامی که طیفی ۵۵ یا ۶۰ درصد شد بگویند من همه چیز را می‌خواهم بگیرم، مثل هیأت‌رئیس، رؤسای کمیسیون‌ها و... اصلاً نمی‌تواند کار را جلو ببرد. هیأت‌رئیس و رئیس مجلس باید با همه مجلس کار کنند.

● **بازگردیم به بحث انتخابات تهران و اتفاقی که افتاد و اصولگرایان از راه‌یافتن به مجلس بازماندند.** خاطرم هست وقتی به شما با آقای جداد اعتراض می‌شد یا ایراد می‌گرفتند که چرا سهمیه جریان‌های تندرو مثل جبهه پایداری و... در فهرست اصولگرایی این قدر زیاد است می‌گفتند که نگران هستیم که سند مجلس دهم به اسام اصلاح‌طلبان بخورد. در واقع ائتلاف شما با جریان تندرو و سهم‌دی زیاد به آنها از ترس آمدن اصلاح‌طلبان نبود. ولی در نهایت هم اصلاح‌طلبان آمدند و هم شما به واسطه نوع ائتلاف خود کل سهم تهران را واگذار کردید. الان که به گذشته برمی‌گردید، فکر می‌کنید این استراتژی ائتلافی‌تان چقدر درست بوده است؟

ببینید، اگر اصولگراها در تهران دو یا سه گروه می‌شدند، که بیشتر احتمال شکست داشت، نیاز به تحلیل ندارد. آمار و ارقام می‌گوید که نفر اول فهرست اصلاح‌طلبان تقریباً یک میلیون و ۷۰۰ هزار رأی آورده است و نفر اول فهرست اصولگرایان یک میلیون و ۷۰ هزار نفر.

● **ولی در دوره‌های قبل که اصلاح‌طلبان شرکت جدی‌ای در انتخابات نداشتند، طبیعتاً حامیان آنها هم تمام‌قد وارد نمی‌شدند.** سبقت‌رأی اصولگرایان همین قدر و حتی کمتر بود. می‌شود این‌گونه تفسیر کرد

سیاست



عکاس: آرشاد بهرام

نظر باهنر درباره فهرست اصولگرایان در تهران

ما به سهم‌مان راضی بودیم

مردم به امضاها اعتماد کردند نه به افراد

مهسا جزینی

برخوردهایش راحت است؛ ازاین‌رو چندان به هم جناحی‌هایش شباهت ندارد. حین مصاحبه پایش را از راحتی سربایی درمی‌آورد و روی پای دیگرش می‌اندازد. گاهی هم که خسته می‌شود، سیگاری می‌گیراند. بحث ما درباره اصولگرایان و انتخابات تهران است که او کوتاه نمی‌آید. نه انتقادات هم‌جناحی‌هایش را قبول دارد و نه تقصیری را منوجه خود و همکارانش در این شکست می‌داند. از فهرست تهران دفاع می‌کند و اعتقادی به این ندارد که خروجی فهرست میل به تندروی داشته است؛ البته اضافه می‌کند شاید می‌شد کمی آن را معتدل‌تر بست. هرچا صحبت از شکست اصولگرایان در تهران می‌شود، از پاسخ طفره می‌رود و می‌گوید سؤال بعدی... گاهی هم سریع ارجاع می‌دهد به نتیجه انتخابات در کل کشور و وعده‌بردن هیأت‌رئیس آینده مجلس را از سوی اصولگرایان می‌دهد. باهنر اما به یک نکته مثبت در انتخابات هفتم اسفند اشاره می‌کند و آن را قدیمی روبه‌جلو در کنش سیاسی مردم می‌داند. نکته‌ای که دیگر اصولگرایان، به‌راحتی آن را نادیده گرفته‌اند. حرف باهنر این است که مردم به معرفی‌ها بیشتر اعتماد کردند تا معرف‌ها. به امضاها بیشتر توجه کردند. تأکید باهنر روی نقش رهبری اصلاحات در انتخابات تهران است. او خاطره‌ای هم از عطاالله مهاجرانی تعریف می‌کند.

اصولگرایان بیش از این در تهران رأیی ندارند. یعنی وقتی اصلاح‌طلبان جدی حاضر شوند دیگر فرقی ندارد که شما با چند فهرست بیابید. در هر صورت بازنده‌اید. این را قبول دارید؟

بله. ولی شما دارید الان دو حالت را مقایسه می‌کنید. شما می‌گویید سقف رأی اصولگرایان در تهران یک میلیون است، خب اگر دو گروه می‌شدیم که این سقف می‌شد ۵۰۰ هزار نفر، خیلی روشن است.

● **خیلی خب، من سؤال را به شکلی دیگر مطرح می‌کنم.** یک تحلیلگر اصولگرا معتقد است که در اصولگرایان دو گروه ایجاد شده است. یک گروهی که باج می‌گیرند و گروهی که باج می‌دهند. باجگیرها از باج‌دهندگان باج می‌گیرند و باج‌دهندگان چون آرام‌اند و روحیه باجگیری ندارند از ترس به‌هم‌خوردن ائتلاف و وحدت، باج می‌دهند که نتیجه‌اش می‌شود همین انتخابات تهران. این تحلیلگر معتقد است نباید از ترس وحدت به هر قیمتی امتیاز داد.

● **خیلی خب، من سؤال را به شکلی دیگر مطرح می‌کنم.** یک تحلیلگر اصولگرا معتقد است که در اصولگرایان دو گروه ایجاد شده است. یک گروهی که باج می‌گیرند و گروهی که باج می‌دهند. باجگیرها از باج‌دهندگان باج می‌گیرند و باج‌دهندگان چون آرام‌اند و روحیه باجگیری ندارند از ترس به‌هم‌خوردن ائتلاف و وحدت، باج می‌دهند که نتیجه‌اش می‌شود همین انتخابات تهران. این تحلیلگر معتقد است نباید از ترس وحدت به هر قیمتی امتیاز داد.

● **همه ما حتی آنهایی که سال ۸۸ اشتباهات اساسی کردند باور کردند که حقشان را باید پای صندوق‌های رأی بگیرند.** این رشد بسیار خوبی برای کشور است و همه باید استقبال کنیم. در تهران مردم به این جمع‌بندی رسیدند که به معرف‌ها(با کسره) بیشتر اعتماد کردند تا معرف‌ها. به امضاها بیشتر اعتماد کردند تا به اسامی افراد. افرادی در تهران رأی آوردند. که مردم به اعتماد امضایی که پای آن فهرست بود به آنها رأی داده‌اند

● **ما به سهم‌مان راضی بودیم.** اگر شما راضی نبودید می‌گذاشتیم اصولگرایان در تهران دو فهرست بدهند.

● **نه.** تحلیلگر سیاسی براساس احتمال کار می‌کند نه یقین. روشن بود که با دو فهرست احتمال باخت بیشتر بود.

● **ولی گفته می‌شود در این فضای تحلیلی، اطلاعات دیگری هم وجود داشته که می‌شده به آنها توجه کرد.** مثل اینکه جامعه تهران به‌ویژه به اشکال مختلف پیام داده بود که با تندروی مخالف است ولی اصولگرایان با فهرست خود، پیامی به جامعه تهران منتقل کردند که فهرست ما مساوی است با تندروی. قبول دارید چنین پیامی به تهرانی‌ها داده‌اید؟

شاید اگر فهرست ما مثلاً کمی معتدل‌تر بود، بهتر بود. ولی حتماً اگر فهرست ما دوتا بود، بهتر نبود.

● **نمی‌شد یکی باشد و معتدل؟** نه. آن وقت حتماً یک فهرست تندرو و یک فهرست معتدل باید درمی‌آمد.

● **یعنی آن دوستان تندرو به‌هیچ عنوان حاضر به کوتاه‌آمدن از سهم خود نبودند و حتماً یک فهرست جدا می‌دادند؟** من عذر می‌خواهم. کوتاه‌آمدن تا حد صفرشدن هرگز رخ نمی‌دهد.

● **فارغ از این، به برخی اصولگرایان که در فهرست قرار گرفتند، گفته شد انصراف دهید و انصراف دادند.** اما برخی دیگر را چون می‌دانستید نه‌تنها انصراف نمی‌دهند بلکه احتمالاً فهرست جداگانه می‌دهند در فهرست قرار دادید...

سؤال بعدی.
● **شما عضو کمیته هفت‌نفره تعیین‌نام‌زدهای آن فهرست بودید.** چقدر در انتخاب آن ۳۰ نفر نقش داشتید؟ این فهرست در زبان‌ها به نام آقای

کرد، اما اینکه چرا فهرست تهران رأی نیاورد، بله دلایل مختلفی دارد؛ شاید تسدروی برخی اعضا اثر داشت. فضای مجازی مهم بود که بسیار متحول شده بود.

● **اصولگراها هم می‌توانستند از این فضا استفاده کنند.**

بله، ولی ما از نتیجه انتخابات کل مجلس ناراضی نیستیم، نه اینکه اوج رضایت ما باشد. بله در انتخابات تهران شکست خوردیم، اما در مشهد صددرصد بردیم. در اصفهان ۵۰-۵۰ شدیم. من نمی‌خواهم اینجا عدد بشمارم. می‌خواهم باز شما را به انتخابات هیأت‌رئیس مجلس ارجاع بدهم.

● **برخی از اصولگرایان معتقدند رأی‌گیری در تهران سلی بوده است؛ یعنی اگر به فهرست اصلاح‌طلبان رأی داده شده برای این بوده که فهرست اصولگرایان رأی نیاورد.** جالب است این تحلیل؛ یعنی باز برمی‌گردیم سر همان تحلیل قبلی. چرا به نظر شما باید برخی از آرای ریخته‌شده به سید اصلاح‌طلبان سلبی باشد؟ یعنی مردم از ترس آمدن اصولگرایان به اصلاح‌طلبان رأی داده باشند.

بله یکی از بحث‌هایی که حضرت آقا مطرح کرد و شاید یکی از نخستین‌بار هم بود، این بود که حتی کسانی که من را قبول ندارند یا ولی ققیه را قبول ندارند پای صندوق بیایند و حقشان را از صندوق رأی بگیرند. شما حتماً به عنوان یک کنشگر سیاسی باید به نکات مثبت این انتخابات بیشتر توجه کنید. یکی از این نکات مثبت، لیستی‌رای‌دادن مردم بود که ما آن را یک قدم به جلو می‌انیم. نفر شصتم انتخابات تهران ۶۶۰ هزار رأی داشت درحالی‌که نفر شصت‌ویکم که فردی غیر لیستی بود ۷۰ هزار رأی آورده بود. یکدفعه یک سقوط آزاد. با اینکه افراد مشهوری هم بیششان بود. همه ما حتی آنهایی که سال ۸۸ اشتباهات اساسی کردند باور کردند که حقشان را باید پای صندوق‌های رأی بگیرند. این رشد بسیار خوبی برای کشور است و همه باید استقبال کنیم. نکته دیگر اینکه در تهران مردم به این جمع‌بندی رسیدند که به معرف‌هایبشتر اعتماد کردند تا معرف‌ها. به امضاها بیشتر اعتماد کردند تا به اسامی افراد. افرادی در تهران رأی آوردند که خود شما هم قبول دارید احتمالاً افراد انکشت‌شماری آنها را می‌شناسند، ولی مردم به اعتماد امضایی که پای آن فهرست بود به آنها رأی داده‌اند.

● **این نشان می‌دهد ما در کشور افرادی داریم که جزء سرمایه‌های اجتماعی یا نامدین ما هستند و باید آنها را حفظ کرد.**

بله. خیلی نقطه مثتی است، باید به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی به آن نگاه کرد. از این نظر انتخابات تهران خیلی خوب بود. باوجود اینکه ما شکست خوردیم، ولی به یاد داشته باشید چهره‌های سرشناس اصلاح‌طلب که از شهرستان نامزد شدند رأی نیاوردند درحالی‌که اگر تهران بودند؛ در فهرست قرار می‌گرفتند و شاید رأی می‌آوردند. مثل آقای دکتر راهچمنی که از سبزوار نامزد شد. من دوستش می‌دارم، کلی هم زحمت کشید و رأی نیاورد درحالی‌که او اگر در تهران نامزده شده بود حتماً رأی می‌آورد. یا برعکس برخی به من می‌گفتند گفته شده باهنر از ترس اینکه رأی نیاورد ثبت‌نام نکرده است.

● **البته اگر هم ثبت‌نام کرده بودید پیش‌بینی آن دوستان درست از آب درمی‌آمد و رأی نمی‌آوردید.** بله اگر از تهران ثبت‌نام کرده بودم رأی نمی‌آوردم. دکتر زاهدی که از کرمان رأی آورد از قبل به من می‌گفت توت از کرمان نامزد بشو من انصراف می‌دهم و رئیس ستاد انتخابات می‌شوم. ایشان خیلی به من محبت دارد، خوشم هم می‌داند و بقیه هم می‌دانند که من از کرمان رأی دارم؛ یعنی اگر قرار بود پیامم مجلس، البته قدرها متوجه می‌شدم. من تصمیم گرفته بودم مجلس بنایم، ولی مقصودم این است که بldم کارگردانی بکنم.

● **یعنی معتقدید انتخابات تهران را خوب کارگردانی کردید؟**

من باز شما را به دهم خرداد ارجاع می‌دهم. بینم هیأت‌رئیس چه از کار درمی‌آید. نتیجه انتخابات آن است.

● **چرا فکر می‌کنید اصلاح‌طلبان آمده‌اند که حتماً ریاست مجلس را از آن خود کنند.** شاید خیلی هم با ریاست آقای لاریجانی بر مجلس مشکل نداشته باشند.

اگر کسی دستش به چیزی نرسد، ممکن است بگوید بد است. من برای آقای دکتر عارف احترام زیادی قائلم. ایشان همه توانش را برای ریاست مجلس گذاشته است. ایشان تردید ندارد که رئیس شود. اشکال ندارد. من هم می‌گویم به ایشان که امیدوار باشد.